

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همیار اجرای احکام مدنی

جلد سوم

توقیف اموال

مجید عطایی جنتی

(رئیس شعبه دادگاه عمومی و حقوقی)

حسین شفیعی

(معاون قضائی دادگستری مشهد)

مریم علی نژاد

(دادرس اجرای احکام مدنی)

نشر حقوق پویا

فهرست مطالب

فصل اول: توقیف اموال منقول ۹

- مقدمه ۱۰
- گفتار اول: لزوم احراز تصرف محکوم علیه ۱۱
- گفتار دوم: توقیف در خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه ۱۲
- گفتار سوم: توقیف در محل سکونت زوجین ۱۳
- گفتار چهارم: توقیف در محل در بسته ۱۴
- گفتار پنجم: توقیف اموال ضایع شدنی و اموال با هزینه نگهداری نامتناسب ... ۱۵
- گفتار ششم: توقیف جواز کسب ۱۷
- گفتار هفتم: صورت برداری اموال منقول ۱۹
- ۱-۷- نحوه تنظیم صورت اموال ۱۹
- ۲-۷- ایراد از ناحیه شخص ثالث ۲۰
- ۳-۷- ایراد از ناحیه طرفین ۲۱
- گفتار هشتم: ارزیابی اموال منقول ۲۲
- ۱-۸- نحوه ارزیابی ۲۲
- ۲-۸- اعتراض به نظر ارزیاب ۲۳
- ۳-۸- مهلت اعتراض برای افراد مقیم خارج از کشور ۲۵
- ۴-۸- حق الزحمه ارزیاب ۲۵
- ۵-۸- عدم پرداخت حق الزحمه توسط محکوم له ۲۶

- گفتار نهم: حفظ اموال منقول توقیف شده ۲۷
- ۱-۹- ضرورت عدم جابجایی اموال ۲۷
- ۲-۹- تعیین حافظ ۲۷
- ۳-۹- اجرت حافظ ۲۸
- ۴-۹- مسئولیت حافظ ۲۸
- ۵-۹- تکلیف حافظ در خصوص منافع مال توقیف شده ۲۹
- ۶-۹- امتناع از تحویل مال توقیف شده ۳۰
- ۷-۹- تغییر حافظ ۳۲

فصل دوم: توقیف اموال غیرمنقول ۳۴

- مقدمه ۳۵
- گفتار اول: اموال دارای سابقه ثبتی ۳۵
- گفتار دوم: توقیف مال غیرمنقول فاقد سابقه ثبتی ۳۷
- گفتار سوم: عواید مال غیرمنقول ۴۱
- گفتار چهارم: توقیف محصول املاک و باغات ۴۳
- گفتار پنجم: صورت بردای اموال غیرمنقول ۴۵
- گفتار ششم: ارزیابی اموال غیرمنقول ۴۶
- گفتار هفتم: حفظ اموال غیرمنقول ۴۷
- گفتار هشتم: حفظ عواید توقیف شده ۴۸

فصل سوم: توقیف نزد شخص ثالث ۴۹

- مقدمه ۵۰
- گفتار اول: تعلق مال به محکوم علیه ۵۰
- گفتار دوم: ابلاغ به ثالث ۵۱
- گفتار سوم: ابلاغ به محکوم علیه ۵۱
- گفتار چهارم: انواع مال مورد توقیف ۵۲

گفتار پنجم: تکالیف ثالث بعد از دریافت اخطار.....	۵۲
گفتار ششم: پرداخت تدریجی دین توسط ثالث.....	۵۳
گفتار هفتم: انکار ثالث.....	۵۳
گفتار هشتم: ضمانت اجرای عدم تحویل مال توقیف شده.....	۵۴
۸-۱- اگر مال عین معین باشد.....	۵۴
۸-۲- اگر مال وجه نقد یا طلب حال باشد.....	۵۵

فصل چهارم: توقیف حقوق و مزایا..... ۵۷

مقدمه.....	۵۸
گفتار اول: فرض زن بودن کارکنان.....	۵۸
گفتار دوم: توقیف مزایا.....	۶۰
گفتار سوم: توقیف حقوق در مرحله تأمین خواسته.....	۶۱
گفتار چهارم: کسر حقوق از اصل یا باقیمانده حقوق.....	۶۳
گفتار پنجم: دریافت حقوق و مزایای متعدد توسط محکوم علیه.....	۶۴
گفتار ششم: توقیف حقوق محکوم علیه علیرغم صدور حکم اعسار و تقسیط.....	۶۶
گفتار هفتم: امکان جلب علیرغم توقیف حقوق.....	۷۲
گفتار هشتم: توقیف حساب حقوقی کارمند پس از اعمال ماده ۹۶.....	۷۴
گفتار نهم: وجود دو یا چند اجرائیه علیه کارمند.....	۷۴
گفتار دهم: توقیف حقوق بازنشسته و وظیفه.....	۷۵
گفتار یازدهم: توقیف پاداش بازنشستگی.....	۷۶
گفتار دوازدهم: توقیف حقوق نظامیان.....	۷۷
گفتار سیزدهم: توقیف حقوق مستمری بگیران.....	۷۸
گفتار چهاردهم: روند اجرایی توقیف حقوق.....	۷۸

فصل پنجم: توقیف اموال دولتی..... ۸۰

مقدمه.....	۸۱
------------	----

گفتار اول: شناسایی محکوم علیه مشمول ماده واحده ۸۲

۱ - اشخاص حقوقی مشمول ماده واحده ۸۲

۱-۱- شمول یا عدم شمول شرکتهای دولتی ۸۴

۲-۱- شمول یا عدم شمول اداره اوقاف ۸۵

۳-۱- شمول یا عدم شمول دانشگاههای دولتی ۸۵

۴-۱- شمول یا عدم شمول بانکهای دولتی ۸۵

۵-۱- شمول یا عدم شمول آب و فاضلاب ۸۵

۶-۱- شمول یا عدم شمول نهادهای نظامی ۸۶

۲- راهکار اجرایی جهت شمول یا عدم شمول ماده واحده نسبت به

شخص محکوم علیه ۸۶

گفتار دوم: موضوع ماده واحده ۸۷

گفتار سوم: اوراق مشمول ماده واحده ۸۷

۱-۳- شمول یا عدم شمول گزارش اصلاحی ۸۷

۲-۳- شمول یا عدم شمول تامین خواسته و دستور موقت ۸۸

گفتار چهارم: مهلت دولت برای پرداخت محکوم به ۸۸

گفتار پنجم: مسئولیت دولت در خصوص پرداخت خسارت تأخیر تأدیه ۸۹

فصل ششم: توقیف اموال شهرداری ۹۳

مقدمه ۹۴

گفتار اول: شناسایی محکوم علیه مشمول این قانون ۹۵

۱-۱- شهرداری ها ۹۵

گفتار دوم: بررسی امکان توقیف اموال سازمان های وابسته به شهرداری ... ۹۶

۱-۲- سازمان فرهنگی و ورزشی شهرداری ۹۶

۲-۲- دهیاری ۹۶

۳-۲- سازمان همیاری شهرداری ها ۹۷

۹۸	۴-۲- سازمان حمل و نقل شهرداری ها
۹۹	گفتار سوم- محکوم به موضوع این قانون
۹۹	۳-۱- نقدی بودن محکوم به
۳-۲	شمول ماده واحده در خصوص مواردی که محکوم به هزینه انجام
۱۰۱	عمل، بهای کلی مال یا عین معین باشد
۱۰۲	گفتار چهارم: اموال قابل توقیف
۱-۴	۱- وجوه شهرداری در بانک
۲-۴	۲- وجود مال یا وجه نزد محکوم له
۳-۴	۳- تهاثر دین محکوم له به شهرداری
۴-۴	۴- بازداشت مازاد مال شهرداری
۵-۴	۵- وثیقه شهرداری در بانک
۱۰۶	گفتار پنجم: ماده واحده در خصوص چه مواردی قابل اجرا می باشد...
۱-۵	۱- احکام قطعی دادگاهها
۲-۵	۲- اوراق اجرایی ثبتی
۳-۵	۳- اوراق اجرایی محاکم
۱۰۷	گفتار ششم: مهلت شهرداری و مبدا محاسبه آن
۱۱۱	گفتار هفتم: ضمانت اجرای عدم اجرا توسط شهرداری
۱۱۲	گفتار هشتم: پرداخت خسارت تأخیر تأدیه موضوع ماده واحده
۱۲۰	گفتار نهم: حق اجرا موضوع ماده واحده شهرداری
۱۲۱	فصل هفتم: توقیف حق کسب یا پیشه و توقیف سرقفلی
۱۲۲	مقدمه
۱۲۲	گفتار اول: دیدگاه های مختلف در خصوص توقیف سرقفلی و حق کسب...
۱۲۶	گفتار دوم: توقیف حق کسب یا پیشه یا تجارت
۱۲۷	گفتار سوم: توقیف سرقفلی

فصل هشتم : توقیف سهام شرکت ها ۱۳۰

- مقدمه ۱۳۱
- گفتار اول: معنای سهم و سهم‌الشرکه ۱۳۱
- گفتار دوم: توقیف در شرکت سهامی عام و خاص ۱۳۱
- ۱-۲- سهام بی نام ۱۳۱
- ۲-۲- سهام با نام ۱۳۲
- ۳-۲- سهام ممتاز ۱۳۲
- ۴-۲- گواهینامه موقت سهم ۱۳۳
- گفتار سوم: توقیف در شرکت با مسئولیت محدود ۱۳۴
- گفتار چهارم: توقیف در شرکت تضامنی ۱۳۵
- گفتار پنجم: توقیف در شرکت مختلط غیرسهامی ۱۳۶
- گفتار ششم: توقیف در شرکت مختلط سهامی ۱۳۷
- گفتار هفتم: توقیف در شرکت نسبی ۱۳۷
- گفتار هشتم: توقیف در شرکت‌های تعاونی ۱۳۸

فصل نهم: سهام بورسی و سهام عدالت ۱۳۹

- مقدمه ۱۴۰
- گفتار اول: توقیف سهام بورسی ۱۴۰
- گفتار دوم: توقیف سهام عدالت ۱۴۱
- فهرست منابع ۱۴۴

فصل اول:

توقیف اموال منقول

مقدمه

در راستای اجرای محکومیت‌های مالی و آنگاه که محکوم علیه ممتنع از پرداخت موضوع محکوم به حاضر به اجرای حکم نیست و از سوی دیگر جستجو در حساب‌های بانکی وی نیز نتیجه‌ای نداشته، راهکار قانونی، موضوع توقیف اموال و نهایتاً مزایده آن برای استیفاء محکوم به است که در این راستا قانونگذار قانون اجرای احکام مدنی فصل دوم را به موضوع توقیف اموال اختصاص داده و سپس با بیان کلیاتی از مقررات عمومی توقیف اموال، با تفکیک اموال منقول از غیر منقول، شیوه اقدام را در هر مورد از این دو بیان نموده است و لذا از جمله اموالی که محکوم‌له، در راستای اعمال ماده ۴۹ قانون اجرای احکام مدنی و یا محکوم علیه یا شخص ثالث در راستای اعمال ماده ۳۴ و تبصره آن می‌توانند معرفی و درخواست توقیف آن را بنمایند، اموال منقول می‌باشد. ماده ۱۹ قانون مدنی مال منقول را اینگونه معرفی می‌نماید: «اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود مال یا محل آن خرابی وارد آید منقول است.»

لازم به ذکر است که مقررات قانون اجرای احکام مدنی حاکی از بیان ۴ مرحله (شناسایی و توقیف، صوربرداری، ارزیابی و حفاظت) در راستای حصول نتیجه و برای هر کدام از اموال منقول و غیر منقول است و قبل از بیان این مراحل (که باید با لحاظ ماده ۱۳۷ قانون اجرای احکام مدنی انجام شود) دو نکته زیر به عنوان مقدمه قابل توجه است:

- ۱- مذاقه در قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی حاکی از آن است که متولیان اجرای احکام مدنی راساً حق توقیف اموال را بدون تقاضای محکوم له یا علیه نداشته و ندارند.

۲- به نظر می‌رسد متولیان اجرای احکام حق ارزیابی اولیه از حیث اینکه مال تعرفه شده قابلیت استیفاء محکوم به را دارد یا، دارند تا از معرفی اموال بنجل و اموالی که اساساً به صورت متعارف قابل خرید و فروش نیست و صرفاً سبب اطاله عملیات اجرایی است، خودداری و جلوگیری شود.

گفتار اول: لزوم احراز تصرف محکوم علیه

در توقیف اموال منقول اصل همان تصرف و اماره ید است و لذا چنانچه مال معرفی شده توسط محکوم‌له در تصرف شخص دیگری باشد و آن شخص نسبت به آن مال ادعای مالکیت داشته باشد یا آن را متعلق به دیگری بداند مطابق ماده ۶۱ قانون اجرای احکام مدنی نمی‌توان مال مورد نظر را توقیف نمود.

در واقع اظهار تصرف کافی است و مأمور اجرا نمی‌تواند از او دلیل دیگری بر مالکیت بخواهد زیرا نه تنها اظهار تصرف مبنی بر مالکیت متکی به اماره تصرف بوده بلکه قانونگذار هم چنین اجازه‌ای به مأمور اجرا نداده است و تنها مأمور اجرا می‌تواند صورتجلسه از اظهارات متصرف تنظیم نماید تا محکوم‌له بتواند از قسمت ضمانت اجرای ماده ۶۱ قانون اجرای احکام مدنی استفاده نماید.^۱

در صورتی که با وجود تصرف شخص دیگر اقدام به توقیف مال شود، به دستور دادرس اجرای احکام مدنی باید از آن رفع توقیف گردد و این موضوع از شمول مادتين ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی خارج است. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۰۳۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ مؤید این نظر می‌باشد و بیان داشته که باتوجه به اینکه مأمور اجرا برخلاف مقررات ماده ۶۱ مال را توقیف نموده به دستور دادگاه باید از آن رفع توقیف شود.

با وجود مراتب فوق طبق قسمت اخیر ماده ۶۱ قانون اجرای احکام مدنی در صورتیکه خلاف ادعای شخص متصرف ثابت شود، شخص ثالث مسئول جبران

۱. شمش، عبدالله، اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ پنجم، انتشارات درآگ، ص ۱۱۴.

خسارت محکوم‌له خواهد بود و محکوم‌له برابر مقررات مربوط به صلاحیت و دیگر تشریفات دادرسی می‌تواند اقامه دعوا نماید.

گفتار دوم: توقیف در خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم‌علیه

محل سکونت به مکانی اطلاق می‌شود که افراد در آن زندگی می‌نمایند. البته اگر کسی برای چند روز در یک مکان مانند مسافرخانه، هتل و... سکونت داشته باشد نیز می‌تواند محل سکونت وی تلقی شود.^۱

محل کار به مکانی گویند که شخص در آنجا اشتغال به کار دارد. البته برای محل کار باید شخصی باشد نه عمومی، بنابراین چنانچه محل کار شخص، اداره دولتی باشد اموال موجود در آن را نمی‌توان اموال شخص محسوب کرد.^۲

باتوجه به تعاریف فوق، چنانچه محکوم‌له مالی را معرفی نماید و ادعا کند مال متعلق به محکوم‌علیه می‌باشد لکن آن مال خارج از محل سکونت یا کار محکوم‌علیه بوده بنابر صراحت ماده ۶۲ قانون اجرای احکام مدنی، این مال در صورتی توقیف می‌شود که دلایل و قرائن کافی بر احراز مالکیت محکوم‌علیه در دست باشد و رعایت ماده ۶۱ قانون مزبور در این خصوص ضروری می‌باشد. از مصادیق قابل توجه در این خصوص موضوع توقیف اموال موجود در مغازه ای است که محکوم علیه در آن مشغول فروشنده‌گی است ولی ادعای عدم مالکیت بر اموال موجود داشته و دارد و مثلاً مدعی است پروانه کسب مغازه به نام ثالث است و او در آنجا صرفاً فروشنده است. در چنین مصداقی موجه ترین اقدام ابتدایی رعایت همان اصل تصرف و توقیف اموال است تا متعاقباً چنانچه خلاف آن اثبات گردید، رفع توقیف انجام گردد.

۱. مهاجری، علی، دانشنامه اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات فکرسازان، صفحه ۱۳۴.

۲. منبع پیشین.

بدیهی است چنانچه ارزش مال توقیفی بیش از محکوم به باشد می بایست مازاد آن رفع توقیف گردد.

۸-۲-۱ اعتراض به نظر ارزیاب

پس از اینکه ارزیاب نظریه خود را تحویل واحد اجرا نمود دادورز موظف است بلافاصله مفاد نظریه وی را به طرفین ابلاغ نماید طرفین بر خلاف قانون آیین دادرسی مدنی که مهلت اعتراض را ۷ روز مقرر نموده است، سه روز فرصت دارند تا چنانچه به نظر ارزیاب اعتراض داشته باشند اعلام نمایند.

البته این فرصت سه روزه در صورتی معتبر است که دادورز نظریه کارشناس را ابلاغ نموده باشد نه اینکه صرفاً به طرفین اعلام نماید که نظریه وصول گردیده است. در صورت اخیر، هرگاه طرفین نظریه را رویت نمایند فرصت سه روزه از آن تاریخ محاسبه می گردد. نظریه مشورتی شماره ۷/۸۹/۴۱۵۱ مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۹ موید این نظر می باشد.

اعتراض طرفین توسط دادگاهی که حکم به وسیله آن اجرا می گردد رسیدگی و اتخاذ تصمیم می گردد و تصمیم دادگاه قطعی است. لازم به ذکر است که در شرایط فعلی این اقدام همانند سایر امور قضائی مربوط به عملیات اجرایی و به تصریح ماده ۶ دستور العمل ساماندهی و تسریع در اجرای احکام مدنی، توسط دادرس علی البدل مستقر در اجرای احکام انجام می گردد.

در پاسخ به این ابهام که آیا ارزیابی مجدد می تواند به دفعات باشد یا خیر؟ پاسخ این است که باتوجه به ملاحظه ماده ۷۵ قانون اجرای احکام مدنی که صراحتاً بیان داشته ضرورت تجدید یا عدم تجدید ارزیابی منوط به تشخیص دادگاه می باشد بنابراین تجدید ارزیابی به دفعات نیز با دادگاه است و این موضوع در نظریه شماره ۷/۹۲/۲۳۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۵ ذکر گردیده است. در اینکه آیا منظور از تجدید ارزیابی ارجاع مجدد به یک نفر ارزیاب دیگر یا ارجاع به هیت ارزیابی است، رویه ها متفاوت بوده و موجه تر ارجاع به هیت است.

موضوع: تشخیص اعتراض به نظریه ارزیابی مال غیر منقول در مرحله اجرا
پرسش: در صورت توقیف اموال غیر منقول در مرحله اجرا و ارزیابی آن توسط
کارشناس رسمی یا خبره، ۱- آیا در صورت تراضی طرفین در انتخاب
کارشناس، نظریه کارشناسی قابل اعتراض است یا خیر؟ در صورت اعتراض،
مرجع صالح رسیدگی به اعتراض کدام است و تکلیف آن مرجع چیست و آیا
دادگاه می‌تواند ارزیابی ملک را به هیات کارشناسی بیشتر از سه نفره ارجاع
دهد یا خیر؟^۱

نظر هیئت عالی

با این توضیح که تراضی طرفین به انتخاب ارزیاب، نافی حق اعتراض آنان نیست
نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۹۵/۶۸۰-۲۲/۳/۹۵ به شرح زیر مورد تایید اعضا
هیات عالی است. ماده ۷۵ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می‌دارد هر یک از طرفین
می‌تواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی به نظریه ارزیاب اعتراض نماید و
ضرورت تجدید یا عدم تجدید ارزیابی منوط به تشخیص دادگاهی که حکم به
وسیله آن اجرا می‌شود، شده است. بنابراین برای تجدید ارزیابی به دفعات و تعیین
کارشناس اعم از یک نفر و یا هیات سه نفره و یا پنج نفره، ملاک، تشخیص دادگاه
مرقوم است.

نظر اتفاقی

با توجه به ماده ۱۲۸ و مواد ۷۳ تا ۷۵ قانون اجرای احکام مدنی پس از وصول
نظریه کارشناسی، واحد اجرا باید نظریه را به طرفین ابلاغ و طرفین ظرف ۳ روز از
تاریخ ابلاغ حق اعتراض دارند و مرجع صالح جهت رسیدگی به اعتراض، دادگاهی
است که حکم بوسیله آن اجرا می‌شود و دادگاه در صورت ضرورت کارشناسی را
برای یک بار تجدید و جهت کارشناسی مجدد ارجاع می‌دهد لذا با توجه به اینکه

۱. صورت جلسه نشست قضائی برگزار شده توسط استان هرمزگان/ شهر رودان تاریخ برگزاری ۱۳۹۷/۱۰/۱.

تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است نظریه جدید ارزیاب غیر قابل اعتراض می باشد.

۸-۳- مهلت اعتراض برای افراد مقیم خارج از کشور

در صورتی که یکی از طرفین مقیم خارج از کشور باشند مهلت اعتراض چند روز است؟

ماده ۷۵ به این سوال پاسخ نمی دهد و لذا طبق ماده ۴۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی که موعد افراد مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ است و با توجه به ماده ۳۲ قانون اجرای احکام مدنی که مواعد مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی را قابل تسری به اجرای احکام دانسته است.^۱ لذا موعد برای چنین اشخاصی همان دو ماه است که البته با اصل فوریت عملیات اجرایی در تضاد است.

۸-۴- حق الزحمه ارزیاب

ملاک تعیین میزان حق الزحمه ارزیاب اگرچه می تواند مطابق آیین نامه تعرفه دستمزد کارشناسان هم باشد ولی در عمل و به تاکید ماده ۷۶ قانون اجرای احکام مدنی، توسط دادورز با لحاظ کمیت و کیفیت و ارزش کار می باشد که در عمل در همان قرار کارشناسی صادره از ناحیه دادرسان اجرا هم تعیین می شود و محکوم علیه وظیفه پرداخت آن را بر عهده دارد. ولی چنانچه محکوم علیه از پرداخت آن خودداری نماید محکوم له می تواند آن را بپردازد که در این صورت پرداخت آن بر ذمه محکوم علیه باقی مانده و دادورز ضمن اجرای حکم و با استناد به ماده ۱۵۸ قانون اجرای احکام مدنی آن را از وی وصول می نماید.^۲

۱. مهاجری، علی، دانشنامه اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات فکرسازان صفحه ۲۰۳.

۲. نظریه شماره ۷/۹۳/۲۳۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۵

مطابق ماده ۷۶ ق.ا.م. پرداخت حق الزحمه ارزیاب بر عهده محکوم علیه است و در صورت امتناع از پرداخت محکوم له، می تواند آن را پرداخت نماید و به عنوان هزینه اجرایی پس از فروش مال محکوم علیه از آن کسر گردد و ماده یاد شده مطلق است و شامل مواردی که خود محکوم علیه مالی را جهت استیفای محکوم له معرفی نموده باشد نیز می شود.

فصل چہارم:

توقیف حقوق و مزایا

مقدمه

یکی از راههای اجرای حکم در محکومیت‌های مالی و دستیابی محکوم له به حق خود توقیف حقوق و مزایا در خصوص محکوم‌علیه‌هم حقوق‌بگیر موضوع ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی می‌باشد. این ماده چنین بیان داشته است: ((از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداریها و بانک‌ها و شرکت‌ها و بنگاههای خصوصی و نظایر آن در صورتی که دارای زن با فرزند باشد ربع و الا ثلث توقیف می‌شود)).

جهت اجرای این ماده شرایط و ضوابطی وجود دارد که در این فصل به آن پرداخته می‌شود.

گفتار اول: فرض زن بودن کارکنان

باتوجه به اطلاق واژه کارکنان در ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی چنین استنباط می‌گردد که شامل کارکنان زن و مرد می‌گردد و نمی‌توان گفت کارکنان زن مورد توجه و نظر قانونگذار واقع نگردیده‌اند نظریه مشورتی شماره ۳۱۷۸/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۷ بیان داشته: باتوجه به اهمیت حقوق (اعم از مزد و مزایا و...) مستخدمان در تأمین معیشت آنها و ابعاد انسانی و اجتماعی و اقتصادی آن و ضرورت مصونیت حداقلی آن ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ به نحو اطلاق توقیف و برداشت بیش از ثلث حقوق و مزایای کارکنان یاد شده بین زن یا مردن بودن قائل نشده است ولیکن وجود زن با فرزند برای کارکنان مزبور را موجب تسری حمایت‌های مذکور سقف یک چهارم نموده است و بدیهی است که در خصوص قسمت اخیر چنانچه کارکنان زن، فرزند یا فرزندان داشته باشند که به

موجب قوانین تحت تکفل آنها باشد از حمایت مزبور و عدم کسر بیش از ربع حقوق و مزایای ایشان برخوردار خواهند بود.^۱

البته این موضوع که می‌بایست زنان شامل سرپرست خانواده بوده تا مشمول یک چهارم گردد مورد اختلاف بوده و باتوجه به متن ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی به نظر می‌رسد سرپرست بودن یا نبودن تأثیری در ماهیت موضوع نداشته باشد.

موضوع: تعمیم ماده ۹۶ قانون اجرای احکام به زنان کارمند.
پرسش: آیا ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی، مشمول زنان کارمند موضوع همین ماده می‌باشد؟ در صورت منفی بودن پاسخ، آیا توقیف همه حقوق ماهیانه آنان از بابت محکوم‌به، مجوز قانونی دارد؟^۱

نظر هیئت

نظر اکثریت مورد تأیید است.

نظر اکثریت

با مذاقه به ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی، قید کلمه کارکنان، عام است و شامل مردان و زنان می‌باشد اما چون در ماده مرقوم فقط دارا بودن زن و فرزند در میزان توقیف حقوق و مزایای کارکنان دولت و... مؤثر اعلام شده، در نتیجه ثلث حقوق و مزایای کارکنان زن توقیف می‌شود، مگر این که فرزند وی تحت تکفلش باشد که در این صورت ربع حقوق و مزایای ایشان توقیف می‌شود و با این وصف، توقیف همه حقوق و مزایای آنان موجه و قانونی نیست.

نظر اقلیت

از روح ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی این گونه مستفاد می‌گردد که ماده مرقوم تنها مشمول کارکنان مرد است زیرا در همین ماده، صحبت از دارا بودن زن و فرزند شده که این خود مبین همین مدعاست و از طرفی مطابق قانون مدنی، شوهر،

۱. نشست قضائی برگزار شده توسط استان قزوین / شهر قزوین تاریخ برگزاری ۱۳۸۰/۰۵/۰۱.

نفقه زن و فرزندانش را تأمین می‌نماید و به همین لحاظ، قانون دارا بودن زن و فرزند را در میزان توقیف حقوق و مزایای کارکنان دولت مؤثر دانسته است. با این وصف به نظر می‌رسد ماده مرقوم به زن‌ها تسری ندارد و توقیف همه حقوق و مزایای کارکنان زن از بابت محکوم^{به}، رعایت مقررات صحیح است.

گفتار دوم: توقیف مزایا

آیا مزایای مستمر و غیر مستمر مشمول ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی می‌گردد یا خیر؟

در خصوص جواز یا عدم جواز اعمال ماده ۹۶ قانون فوق‌الذکر در خصوص مزایای مستخدمین در قبال محکوم به اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده برخی اساتید مواردی همچون اضافه کاری، بدی آب و هوا حق التدریس و پاداش برای پیشگیری از اختلال در معیشت کارکنان و خانواده آنها تصویب شده است و هرگاه ناچار به انجام کار اضافی شده و یا کار سخت بپذیرند این مزایا نیز مشمول ماده ۹۶ بوده و مانند حقوق و سایر مزایا ثلث و ربع آن قابل بازداشت است و باید پذیرفت که هر وجهی که کارکنان در برابر کار خود دریافت نمایند مشمول مواد ۹۶ به بعد است.

لکن آنچه در رویه قضایی مشاهده می‌گردد این است که مزایایی که به صورت مستمر پرداخت می‌گردد مشمول ماده ۹۶ بوده و حسب مورد ۳/۱ یا ۴/۱ آن قابل توقیف و برداشت است و آنچه به صورت مقطعی و غیر مستمر پرداخت شود مثل حق ماموریت، عیدی و پاداش مشمول ماده ۹۶ نبوده و کل آن در قبال محکوم به قابل توقیف می‌باشد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۴ مورخ ۱۳۷۲/۲/۱ در تأیید رویه قضایی چنین بیان می‌دارد:

از مجموع دریافتی‌های مستخدم آنچه مربوط به کار و فعالیت بیشتر از حد تکلیف و وظایف قانونی می‌باشد مانند اضافه کاری، حق التدریس، حق التالیف و غیره و همچنین جوهری که وزارتخانه یا سازمان مربوطه علاوه بر دریافتی‌های ماهانه

مستخدم مانند پاداش، عیدی و کمک خوار و بار و غیره به او می‌پردازد جزء به مزایای مستمر یا غیرمستمر نبوده و در نتیجه مشمول مقررات ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی نیست و بقیه دریافتی‌های مستخدم که مربوط به پست سازمانی او می‌باشد، از جمله فوق العاده شغل، فوق العاده خارج از مرکز یا کشور، بدی آب و هوا، صعوبت کار یا شیف و غیره مشمول مقررات ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی نبوده و ثلث و ربع آن قابل توقیف است.

نظریه مشورتی شماره ۹۶۶/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۹/۳: کل پرداختی‌های به کارمند نظیر پاداش پایان خدمت که در زمان بازنشستگی به بازنشستگان تعلق می‌گیرد و نیز وجوه اضافه کار، تشویقی، عیدی، کارانه و حق مأموریت و به طور کلی مزایایی که به طور مستمر به کارمند پرداخت نمی‌شود، غیر از حقوق و مزایای مستمر بوده و مقررات ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ راجع به ممنوعیت توقیف و کسر بیش از ربع یا ثلث از حقوق و مزایا جهت استیفاء محکوم به شامل آن‌ها نبوده و فقط ناظر به حقوق و مزایای مستمر کارمند است؛ بنابراین محکوم به را می‌توان از محل موارد فوق و بدون محدودیت موضوع ماده ۹۶ یادشده استیفاء کرد؛ اما عنوان فوق العاده پرداخت که علی‌الاصول به نحو مستمر به کارمند پرداخت می‌شود، مشمول ممنوعیت توقیف مذکور در ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ است.

گفتار سوم: توقیف حقوق در مرحله تأمین خواسته

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا در اجرای قرار تأمین خواسته می‌توان حقوق کارکنان موضوع ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی را توقیف نموده یا خیر؟

باتوجه به ماده ۱۲۶ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و با رعایت ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی توقیف حقوق در اجرای قرار تأمین خواسته بلامانع و قانونی می‌باشد.

فصل ششم:

توقیف اموال شهرداری

مقدمه

قانون اجرای احکام مدنی از حیث چگونگی و زمان اجرای حکم هیچ تفاوتی فیما بین شخص محکوم علیه اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی، حقوق خصوصی یا شخص حقوقی حقوق عمومی قائل نشده است ولی بعد از انقلاب اسلامی در مورد محکوم علیه که دولت یا شهرداریها باشند مقرراتی وضع شده که وضعیت خاصی را به وجود آورده است که شرح آن به نوعی در مقدمه فصل قبل بیان گردید. بدیهی است این اقدام از یک طرف خلاف اصول قانون اجرای احکام مدنی، فلسفه و اقتضای احکام قطعی است و خود به نوعی موجب طولانی شدن جریان دادرسی و تأخیر اجرای حکم گردیده است و از جهتی باعث کاهش اعتبار احکام و از طرف دیگر در برخی موارد زمینه سوء برداشت و تاخیر نابجا و عمدی ادای حق محکوم له را فراهم آورده است.^۱

یکی دیگر از این دست قوانین قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها مصوب ۶۱/۲/۱۴ می باشد که در این قانون مقرر شده است:^۲

وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها اعم از اینکه در تصرف شهرداری و یا نزد اشخاص ثالث و به صورت ضمانت نامه به نام شهرداری باشد قبل از صدور حکم قطعی قابل تأمین و توقیف و برداشت نمی باشد.

شهرداریها مکلفند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادر شده از دادگاهها و یا اوراق اجرایی ثبتی یا اجرای دادگاهها و مراجع قانونی دیگر را در

۱. اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی عمومی، موانع و راهکارها، رستمی، ولی - سپهری، کیومرث، نشریه حقوق خصوصی، تابستان ۸۹، سال ۴، شماره ۲.

۲. منبع پیشین

حدود مقدورات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و یا در صورت عدم امکان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تأخیر تأدیه به محکوم لهم پرداخت نمایند در غیر اینصورت ذینفع می تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تأمین یا توقیف یا برداشت نماید.

تبصره الحاقی (۸۹/۵/۲۷): بانک ها و مؤسسات اعتباری پرداخت کننده تسهیلات به شهرداریها و سازمانهای وابسته برای وصول مطالبات خود از محل وثایق تسهیلات پرداختی از شمول این ماده مستثنی هستند.

تبصره ۲- الحاقی (۸۹/۵/۲۷): شهرداریها و سازمانها و موسسات و شرکتهای وابسته به آنها می توانند به منظور استفاده از تسهیلات بانکی و سند املاک اختصاصی خود را به عنوان وثیقه در رهن بانک قرار دهند.

تبصره ۳- الحاقی ۸۹/۵/۲۷: چنانچه ثابت شود که شهرداری با داشتن امکانات لازم از پرداخت دین خود استنکاف نموده است شهردار به مدت یکسال از خدمت منفصل خواهد شد.

باتوجه به مطالب فوق در این فصل به شرح و توضیح ماده واحده پرداخته خواهد شد.

گفتار اول: شناسایی محکوم علیه مشمول این قانون

۱-۱- شهرداریها

باتوجه به نحوه نگارش ماده واحده و توجه به استثناء بر اصل بودن این قانون، به نظر می رسد تنها شهرداریها مجاز به استفاده از این حق می باشند و در سایر موارد چنانچه تردیدی حاصل گردد می بایست به اصل که همان اجرای فوری احکام می باشد استناد نمود.

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۶۷ مورخ ۷۷/۱۰/۲۳ نیز موید این موضوع می باشد.

در این نظریه بیان شده است: قانون منع توقیف اموال شهرداریها مصوب ۶۱ یک استثناء بر قاعده عمومی است لذا با فرض اینکه اموال سازمانهای تابعه شهرداری ۱۰۰٪ هم متعلق به شهرداری صاحب سهم باشد مشمول این قانون نمی گردد.

گفتار دوم: بررسی امکان توقیف اموال سازمانهای وابسته به شهرداری

۲-۱- سازمان فرهنگی و ورزشی شهرداری

سازمان فرهنگی و ورزشی شهرداری و شرکت تعاونی مسکن کارکنان در اساسنامه آن مستقل نبوده ولی شماره حساب جدا از شهرداری دارد آیا می توان بدون رعایت یکساله حساب آنها را توقیف کرد؟ با توجه به تفسیر مضیق این قانون و حسب رویه قضایی و نظریه مشورتی، نهادهای وابسته و زیرمجموعه شهرداری مشمول ماده واحده نمی شوند.

بند یک نظریه شماره ۷/۹۹/۱۹۴۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ بیان می دارد:

قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها صرفاً در مورد اموال شهرداریها قابل اعمال است و با توجه به اینکه عدم توقیف اموال محکوم علیه با محدودیت آن امری استثنایی است در تفسیر مقررات مذکور، باید به قدر متیقن اکتفا شود. لذا تسری مقررات یاد شده به دیگر موسسات که وظیفه شهرداریها را انجام می دهند و دارای استقلال مالی هستند یا سازمان وابسته به شهرداریها و جاهت قانونی ندارد.

۲-۲- دهیاری

آیا دهیاریها هم مثل شهرداری مشمول ماده واحده و ملحق به شهرداری می گردند یا خیر؟

به صراحت ماده واحده، فقط اموال شهرداریها قابل توقیف و تأمین نبوده و برای پرداخت وجوه محکوم به احکام قطعی دادگاهها و یا اوراق اجرای ثبتی و یا مراجع قانونی دیگر تحت شرایطی تا یکسال فرصت دارند. بنابراین اشخاص حقوقی دیگری

که ممکن است وظایف مشابه شهرداری داشته باشند از این فرصت و استثناء قانونی بهره‌مند نخواهند بود. در این مورد می‌توان دهیاری‌ها را مثال زد که کار و وظایف آنها چیزی شبیه شهرداری‌ها ولی در محدوده کوچکتر است. بنابراین چنانچه دهیاری در حق شخص محکوم گردد نمی‌تواند به این قانون استناد نماید.^۱ نظریه مشورتی شماره ۴۳۲/۱۴۰۱/۷-۱۴۰۱/۶/۱۲ نیز موید این موضوع است و تصریح نموده که دهیاری نهاد عمومی غیر دولتی است.

۲-۳- سازمان همیاری شهرداری‌ها

آیا ماده واحده قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری مصوب سال ۶۱ شامل اموال و دارائیهای سازمانهای همیاری شهرداری‌ها مانند آتش‌نشانی که صددرصد بودن آن متعلق به شهرداری‌ها می‌باشد خواهد شد؟

نظر هیئت عالی

نظر به اینکه سازمان همیاری وابسته به شهرداری دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد در ماده واحده قانون منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول شهرداری اشاره به شرکت‌ها و سازمانهای تابعه شهرداری چون همیاری نشده و بنابراین تسری و شمول حکم ماده واحده قانون مرقوم و محدودیت‌های مندرج در آن راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول شهرداری نسبت به سازمان همیاری خلاف قاعده است و شامل آنها نمی‌شود.

نظر اکثریت

ماده واحده ذکور شامل اموال و دارائیهای سازمانهای شهرداری که صددرصد اموال آنها متعلق به شهرداری‌ها می‌باشد خواهد شد چرا که تفاوتی نمی‌کنند مال متعلق به مالک در دست چه کسی باشد و سازمانهای همیاری شهرداری‌ها نیز تحت نظر شهرداری می‌باشند و هیچ دلیل بر عدم امکان توقیف اموال آنها که مالکیت آنها متعلق به شهرداری می‌باشد وجود ندارد.

۱. منبع پیشین.

مقدمه

مطابق بند ۲۴ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ ((اوراق بهادار: هر نوع ورقه یا مستندی است که کتضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین یا منفعت آن باشد. شورا، اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام خواهد کرد. مفهوم ابزار مالی و اوراق بهادار در متن این قانون، معادل هم در نظر گرفته شده است.))

از سوی دیگر مطابق بند ۶ ماده ۱ آیین نامه اجرائی توزیع سهام عدالت مصوب ۱۳۸۷ ((سهام دالت: سهام شش دهک درآمدی کشور که به شرکت های سرمایه گذاری استانی واگذار می شود تا در ازای آن شرکت های مزبور معادل مبلغ آن، سهام شرکت سرمایه گذار استانی را از طریق شرکت های تعاونی عدالت شهرستانی به مشمولین سهام مزبور (اعضای تعاونی) واگذار نمایند.))

بازداشت و فروش اوراق بهادار قابل معامله در بورس و سهام عدالت به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول: توقیف سهام بورسی

هرچند براساس بند ۳ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار، بورس اوراق بهادار در قالب شرکتهای سهامی عام تأسیس و اداره می شود و توقیف و مزایده سهام باید وفق مقررات قانون اجرای احکام مدنی صورت پذیرد اما باتوجه به ماده ۱۱۵ قانون موصوف از آنجایی که سازمان بورس و اوراق بهادار، محلی برای فروش سهام است بنابراین سهامهای بورسی براساس قوانین مربوط به آن فروخته می شوند.

نظریه مشورتی ۷/۹۲/۲۰۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ چنین بیان می دارد:

اگرچه در توقیف و فروش سهام شرکتهای سهامی باید مقررات مذکور از جمله مزایده رعایت شود اما با عنایت به ماده ۱۱۵ قانون اجرای احکام مدنی، چون سازمان بورس محلی برای فروش سهام است که توسط و دولت ایجاد شده است و مرجع قانونی برای عرضه و فروش سهام شرکتهاست لذا اگر سهام قابل عرضه در بورس باشد برابر نص قانون یاد شده باید در همان محل عرضه و فروخته شود.

نظریه مشورتی ۷/۱۴۰۰/۸۴۲، مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۵ و ۷/۸۹/۴۲۵۶ مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۹ نیز موید مطالب بیان شده می باشند.

گفتار دوم: توقیف سهام عدالت

در خصوص توقیف سهام عدالت، با توجه به اینکه اینگونه سهام بخشی از سهم بورس می باشند تا حدی که طبق قوانین مربوطه آزادسازی شده باشند قابل توقیف در اجرای احکام می باشند (وفق مقررات سهام بورسی) لکن امکان توقیف قسمتی از سهام عدالت که آزادسازی نشده است وجود ندارد. و جهت توقیف بدو باید با شرکت تعاونی سهام عدالت مکاتبه تا بانک مرجع مربوطه را اعلام نماید. با حصول پاسخ و معرفی بانک، مرحله دوم مکاتبه با بانک می باشد تا توقیف انجام پذیرد. سپس جهت فروش سهام، با راهکار فروش در بورس و واریز وجه حاصل از فروش در بانک وجه به محکوم له پرداخت می گردد.

نظریه مشورتی شماره ۳۹۳/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۰: "آیا سهام عدالت قابل توقیف؛ فروش یا مزایده است و مرجع توقیف آن کدام است؟
آیا فروش و مزایده سهام مذکور باید از طریق بورس؛ بانک یا کارگزاری خاص انجام پذیرد؟

آیا صرفاً ۳۰ درصد اعلامی سهام عدالت قابل فروش است یا می توان کل سهام متعلق به محکوم علیه را به موجب دستور قضایی به فروش رساند؟

پاسخ: با توجه به ابلاغ نامه مورخ ۱۳۹۹/۲/۹ مقام معظم رهبری مبنی بر آزادسازی سهام عدالت مصوب ۱۳۹۹/۴/۲۳ شورای عالی بورس و اوراق بهادار

سهام یاد شده تا حدی که آزاد می‌شود؛ قابل توقیف و فروش از طریق شرکت سپرده گذاری مرکز اوراق بهادار و تسویه وجوه است.

به هر میزان که ساز و کار انتقال سهام مذکور فراهم شود؛ به دستور مقام قضایی؛ قابل توقیف و فروش است و لذا امکان فروش قسمتی از سهام عدالت که آزادسازی نشده است؛ وجود ندارد.^۱

موضوع: نحوه توقیف و فروش سهام محکوم علیه

پرسش: آقای الف به موجب دادنامه‌ی قطعی لازم‌الاجراء به علت ارتکاب بزه کلاهبرداری به ۴ سال حبس و یکصد میلیون تومان جزای نقدی و معادل همان مبلغ رد مال در حق شاکی محکوم گردیده است. قاضی اجرای احکام کیفری نیز متعاقب تقاضای شاکی برای اجرای حکم رد مال و در جهت شناسایی اموال محکوم‌علیه، استعلام‌های لازم را به عمل آورده که در نهایت، مشخص می‌شود مشارالیه دارای سهام بورسی و سهام عدالت می‌باشد. با عنایت به لزوم رعایت تشریفات مزایده جهت اجرای حکم و تملیک محکوم‌به، چگونگی فروش سهام مذکور را بیان فرمایید؟^۱

نظر هیئت عالی

با توجه به اینکه واگذاری و فروش انتقال سهام عدالت آزاد شده و سهام بورسی تابع مقررات و شرایط خاصی می‌باشد؛ لذا در صورتی که با استفاده از شیوه‌های مرسوم و قانونی سازمان بورسی سهام توقیفی عرضه و فروخته شود، بلامانع است و چنانچه از این طریق سهام مزبور به فروش نرسد اجرای مزایده در اجرای احکام مدنی بلامانع است.

۱. نشست قضایی استان مازندران / شهر قائم شهر تاریخ برگزاری ۱۳۹۹/۰۸/۲۹.

نظر اکثریت

با عنایت به اینکه سهام در علم حقوق از نظر تقسیم‌بندی اموال در زمره‌ی اموال «منقول» قرار می‌گیرد و از سویی در این نوع از اموال نیز لزوم رعایت تشریفات مزایده به شرح مواد ۱۱۳ الی ۱۳۶ قانون اجرای احکام مدنی ضروری می‌باشد و دلیلی بر عدم برگزاری مزایده و استثناء نمودن فروش سهام مذکور از مقررات مارالذکر ملاحظه نمی‌گردد، لذا فروش سهام در هر حال از طریق مزایده به انجام رسیده و نامه انتقال سهم به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال خواهد شد.

نظر اقلیت

هرچند سهام در زمره‌ی اموال منقول قرار می‌گیرد، لکن در فرض سوال می‌بایستی میان سهام عدالت و سهام بورسی به جهت ماهیت آن تفکیک قائل شد:

الف- در خصوص سهام بورسی با توجه به اینکه فروش سهام در سازمان بورس و اوراق بهادار دارای قواعد و تشریفات خاص خود بوده؛ لذا پس از توقیف سهم از طریق همان مرجع وفق قواعد خاص خودش به فروش رفته و امکان برگزاری مزایده و انتقال سهام از نظر عملی وجود ندارد و از سویی در معاملات بورسی همواره سهام به بالاترین قیمت ممکن به فروش خواهد رفت؛ لذا فلسفه برگزاری مزایده که همان رعایت غبطه محکوم‌علیه و جلوگیری از مغبون شدن وی می‌باشد وجود داشته و ایرادی به عدم برگزاری مزایده ملاحظه نمی‌گردد. ب- در خصوص سهام عدالت نیز با توجه به ساز و کار خاص انتقال آن، پس از توقیف سهم تا میزان آزاد سازی شده توسط دولت به موجب ابلاغنامه ۱۳۹۹/۲/۹ مقام معظم رهبری مبنی بر آزادسازی سهام عدالت، فروش از طریق شرکت سپرده گذاری مرکز اوراق بهادار و تسویه وجوه صورت می‌پذیرد و مکان برگزاری مزایده و انتقال سهم به طریق دیگر در قانون پیش‌بینی نشده است.

فهرست منابع

۱. شفیعی، حسین، اجرای احکام مدنی، ۱۳۹۹، انتشارات حقوق پویا.
۲. مهاجری، علی، دانشنامه اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات فکرسازان.
۳. حیاتی، علی عباس، اجرای احکام مدنی در نظم کنونی، چاپ دوم، انتشارات میزان.
۴. فراهانی، ابوالقاسم، درسهای از اجرای احکام مدنی، انتشارات جنگل.
۵. شفیعی، حسین، اجرای احکام مدنی، چاپ دوم، ۱۳۹۹، انتشارات حقوق پویا.
۶. شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷، انتشارات دراک.
۷. مرووری بر مفاهیم سرقفلی و حق کسب با پیشه یا تجارت در نظام حقوقی ایران. علیرضا زارع زیدی، احمد عرب عامری، ماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی، دی ۱۳۹۶، سال دوم، شماره ۷.
۸. اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی عمومی، موانع و راهکارها، رستمی، ولی - سپهری، کیومرث، نشریه حقوق خصوصی، تابستان ۸۹، سال ۴، شماره ۲.
۹. عبدالله شمس، غزل غفوری اصل - مطالعات حقوقی دوره یازدهم - زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۴.